جلسه 78-430

**سه‌شنبه - 13/12/۹8**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که آيا نماز بر روی وسائل حمل نقل مثل دابه ماشین قطار هواپیما در حال حرکت جایز است یا جایز نیست؟ که نظر مختار این شد که اگر شرائط عامه نماز را انسان بتواند مراعات کند، نماز در آن‌ها مانعی ندارد.

اما راجع به نماز در کشتی مناسب است بحث مستقلی بکنیم چون در خصوص آن روایاتی وارد شده بلکه صاحب جواهر نقل می‌کند از ظاهر مبسوط و نهایه و وسیله و مهذب و نهایة الاحکام که نماز در کشتی اختیارا جایز است و لو مستلزم فوت بعض شرائط نماز بشود. ما ابتداءا روایاتی که در مقام وارد است مطرح می‌‌کنیم:

روایت اول روایتی است که صدوق در من لایحضره الفقیه از جمیل بن دراج نقل می‌‌کند از امام صادق علیه السلام که جمیل خدمت حضرت عرض کرد تکون السفینة قریبة من الجد فاخرج و اصلی، کشتی نزدیک ساحل است، من خارج بشوم از آن و به ساحل بروم و در ساحل نماز بخوانم؟ اما علیه السلام در جواب فرمود صل فیها، ‌در همان کشتی نماز بخوان، أما ترضی بصلاة نوح؟ آیا راضی نیستی نمازی مانند نماز حضرت نوح بخوانی؟

سند این روایت مشتمل است بر این نقل صدوق از جمیل. شیخ صدوق در مشیخه من لایحضره الفقیه سندی که ذکر می‌‌کند به آن روایاتی است که از محمد بن حمران و جمیل بن دراج نقل می‌‌کند. در جلد 4 من لایحضره الفقیه صفحه 430 گفته است و ما کان فیه عن محمد بن حمران و جمیل بن دراج فقد رویته عن ابی عن سعد بن عبدالله عن یعقوب بن یزید عن محمد بن ابی عمیر عن محمد بن حمران و جمیل بن دراج. و این سند مختص است به احادیثی که صدوق از این دو نفر با هم نقل می‌‌کند. با توجه به این‌که این دو کتاب مشترکی داشتند و در کافی و غیر کافی هم ما احادیثی بطور مشترک از این دو نفر داریم و لذا شامل نقل صدوق از خصوص جمیل بن دراج یا از خصوص محمد بن حمران نمی‌شود.

مرحوم آقای خوئی در کتاب معجم رجال الحدیث این اشکال را پذیرفته و لکن فرموده است ما از یک راهی احادیث من لایحضره الفقیه از جمیل بن دراج را تصحیح می‌‌کنیم. آن راه این است که شیخ طوسی در فهرست در ترجمه جمیل فرموده است له اصل اخبرنا به الحسین بن عبیدالله عن محمد بن علی بن الحسین عن محمد بن الحسن بن ولید عن الصفار عن یعقوب بن یزید عن ابن ابی عمیر و صفار عن جمیل بن دراج. شیخ طوسی در کتاب فهرست از طریق محمد بن علی بن الحسین صدوق این کتاب جمیل را نقل می‌‌کند و سند صحیح است. بنابراین شیخ صدوق در طریق شیخ طوسی به کتاب جمیل بن دراج قرار گرفته و سند از صدوق تا جمیل هم صحیح است بنابراین کشف می‌‌کنیم که شیخ صدوق سند صحیح داشته است به روایاتی که از کتاب جمیل بن دراج نقل می‌‌کند.

استدلال به این کلام فهرست مبتنی بر این است که ما احراز کنیم شیخ صدوق هرچه که از جمیل نقل کرده از این اصلی بوده که شیخ طوسی در فهرست به آن سند ذکر کرده. در حالی که این ثابت نیست. و لذا سند صدوق به جمیل به دراج دچار مشکل می‌‌شود.

اما به لحاظ دلالت این روایت: این روایت دلالت می‌‌کند بر جواز صلات در سفینه بلکه استحباب آن. و سفینه اگر در حال حرکت باشد که نماز در سفینه در یک مکان متحرک خواهد بود و اگر سفینه در نزدیکی ساحل قرار گرفته و لنگر انداخته باز سفینه در آب بخاطر امواج آب دچار حرکت هست و به نظر ما روایت اطلاق دارد چه سفینه در حال حرکت بوده چه در حال توقف و لنگراندازی بوده. این‌که مرحوم آقای داماد فرموده‌اند به قرینه این‌که جمیل می‌‌گوید فاخرج و اصلی خارج بشوم از سفینه و نماز در ساحل بخوانم، ‌معلوم می‌‌شود که سفینه متوقف شده بوده در نزدیکی ساحل این به نظر ما تمام نیست. همین که نزدیک ساحل است و امکان توقف سفینه است کافی است که سؤال کند که آیا خارج بشوم و نماز بخوانم در ساحل و لو با این‌که سفینه را متوقف کنم. پس فرض روایت منحصر به توقف سفینه نیست.

روایت دوم روایتی است که صدوق باز در من لایحضره الفقیه نقل می‌‌کند از یونس بن یعقوب. یونس بن یعقوب سؤال کرده از امام صادق علیه السلام از صلات در نهر فرات. سأل اباعبدالله علیه السلام عن الصلاة فی الفرات و ما هو اصغر منه من الانهار فی السفینة. سوال کرده از امام صادق علیه السلام که در نهر فرات یا نهر کوچک‌تر از آن، در سفینه هستیم یعنی امکان این‌که در ساحل نماز بخوانیم هست آیا در سفینه نماز بخوانیم؟ امام در جواب فرمود ان صلیت فحسن و ان خرج فحسن اگر در سفینه نماز بخوانی خوب است اگر خارج بشوی بروی ساحل نماز بخوانی او هم خوب است. دلالت می‌‌کند بر جواز صلات در سفینه اختیارا و لو سفینه در حال حرکت است.

سند این روایت به نظر ما صحیح است. چون در مشیخه صدوق سندش را به احادیث یونس بن یعقوب اینگونه ذکر می‌‌کند می‌‌گوید و ما کان فیه عن یونس بن یعقوب فقد رویته عن ابی عن سعد بن عبدالله عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب عن حکم بن مسکین عن یونس بن یعقوب. تنها مشکلی که این سند دارد حکم بن مسکین است که توثیق ندارد. مرحوم آقای خوئی هم که به عنوان موثقه یونس بن یعقوب تعبیر کرده به خاطر این است که حکم بن مسکین از رجال کامل الزیارات است و ایشان در آن زمان قائل به توثیق عام رجال کامل الزیارات بودند. می‌‌فرمودند طبق شهادت ابن قولویه صاحب کامل الزیارات تمام روات این کتاب ثقه هستند. و لکن بعد از این نظر برگشتند و قائل شدند فقط به توثیق مشایخ بلاواسطه ابن قولویه و حکم بن مسکین جزء آن‌ها نیست لذا از نظر آقای خوئی این حدیث معتبر نیست. و لکن ما حکم بن مسکین را ثقه می‌‌دانیم چون ابن ابی عمیر و بزنطی از او روایت نقل کردند و شیخ طوسی در کتاب عده شهادت داده که ابن ابی عمیر و بزنطی و همین‌طور صفوان فقط از ثقات روایت می‌‌کنند، ‌لایروون و لایرسلون الا عن ثقة. مرحوم استاد آقای تبریزی می‌‌فرمود حکم بن مسکین چون از معاریفی است که قدحی درباره او وارد نشده ما مطمئن می‌‌شویم به وثاقت او.

بهرحال این هم روایت دوم است، دلیل بر جواز صلات در سفینه اختیارا.

مشابه این روایت روایتی است که در تهذیب نقل می‌‌کند از احمد از حسن بن علی بن فضال از ابی جمیله مفضل بن صالح. قال سألت اباعبدالله علیه السلام عن الصلاة فی الفرات و ما هو اضعف منه من الانهار فی السفینة فقال ان صلیت فحسن و ان خرجت فحسن.

و لکن مفضل بن صالح ضعیف است چون نجاشی در ترجمه جابر گفته است که روی عنه جماعة غمض فیهم و ضعفوا منهم عمرو بن شمر و مفضل بن صالح.

بهرحال این دو روایتی که خواندیم دلیل بر جواز نماز در سفینه است اختیارا.

در مقابل این دو روایت روایتی است که ظاهرش عدم جواز صلات در سفینه اختیارا است. و آن صحیحه حماد بن عیسی است. حماد بن عیسی می‌‌گوید من شنیدم که امام صادق علیه السلام سؤال شد از ایشان راجع به نماز در سفینه. حضرت در جواب فرمودند ان استطعتم ان تخرجوا الی الجدد فاخرجوا. اگر بتوانید بخارج بشوید به ساحل خارج بشوید. فان لم تقدروا فصلوا قیاما فان لم تستطیعوا فصلوا قعودا و تحروا القبلة.

و همین‌طور روایتی که در تهذیب نقل می‌‌کند از حسین بن سعید از قاسم بن محمد جوهری از علی بن ابی حمزة بطائنی، تعبیر در تهذیب و استبصار این‌طور است: عن علی بن ابراهیم قال سألته عن الصلاة فی السفینة قال یصلی و هو جالس اذا لم یمکنه القیام فی السفینة و لایصلی فی السفینة و هو یقدر علی الشط، حضرت فرمود اگر بتواند شخصی که در کشتی قرار گرفته است از کشتی پیاده بشود در شط یعنی در ساحل نماز بخواند نباید در سفینه نماز بخواند.

سند این روایت به لحاظ علی بن ابی حمزه بطائنی محل بحث است. برخی علی بن ابی حمزة‌ بطائنی را ثقه می‌‌دانند بخاطر شهادت شیخ طوسی در عده و برخی او را ضعیف و کذاب می‌‌دانند. ما در محل خودش عرض کردیم دلیل وثاقت او با دلیل ضعف او تعارض و تساقط می‌‌کنند ما با توجه به حسن سابقه علی بن ابی حمزة‌ در زمان امام کاظم علیه السلام استصحاب می‌‌کنیم بقاء وثاقت او را. و لکن تعبیری که در این روایت هست می‌‌گوید عن علی بن ابراهیم. این علی بن ابراهیم معلوم نیست اگر تصحیف نباشد مشخص نیست که چه کسی است. ولی ظاهرا همان‌طور که مرحوم آقای خوئی فرمودند این دچار تصحیف و تحریف شده و صحیح این است که علی بن ابی حمزة عن ابی ابراهیم، علی بن ابی حمزة‌ از امام کاظم علیه السلام نقل می‌‌کند. قال سألته یعنی علی بن ابی حمزة می‌‌گوید من از امام کاظم سؤال کردم.

خلاصه این‌که ما دو طائفه از روایات داریم:‌ طائفه اولی مفادش جواز نماز در سفینه است اختیارا و طائفه ثانیه که عمده‌اش صحیحه حماد بن عیسی است مفادش عدم جواز صلات در سفینه است اختیارا. باید چه بکنیم؟

برخی گفته‌اند مقتضای جمع عرفی این است که ما طائفه ثانیه را حمل بکنیم بر استحباب. این‌که فرمود خارج بشوید به ساحل از سفینه پیاده بشوید و در ساحل نماز بخوانید اگر می‌‌توانید حمل می‌‌شود بر استحباب بخاطر صراحت طائفه اولی در جواز صلات در سفینه.

و لکن این جمع عرفی نیست. برای این‌که استحباب خروج از سفینه و نماز با ساحل با تعابیر طائفه اولی سازگار نیست. این تعبیر که فرمود اما ترضی بصلاة نوح یا این تعبیر که ان صلیت فحسن و ان خرجت فحسن چگونه سازگار است با استحباب خروج از سفینه و نماز در ساحل؟ و لذا این جمع عرفی نیست.

ممکن است ما به طریق دیگری جمع کنیم بین این دو طائفه. بگوییم که طائفه ثانیه که امر می‌‌کند به خروج از سفینه و نماز در ساحل حمل می‌‌شود بر فرضی که در سفینه متمکن از نماز با رعایت شرائط اختیاریه نباشد. چون در این طائفه ثانیه تعبیر این بود که فان لم تقدروا فصلوا قیاما فان لم تستطیعوا فصلوا قعودا و تحروا القبلة. اگر می‌‌توانید از سفینه خارج بشوید خارج بشوید و در ساحل نماز بخوانید، اگر نمی‌توانید سعی کنید نماز ایستاده بخوانید، ‌اگر نمی‌توانید نماز ایستاده بخوانید نماز نشسته بخوانید و تحصیل علم به جهت قبله هم بکنید. این تعبیر که فان لم تستطیعوا فصلوا قعودا نشان می‌‌دهد که در سفینه ممکن است شرائط اضطراری پیش بیاید که انسان مجبور بشود که نماز نشسته بخواند. و لذا امام علیه السلام فرمودند اگر می‌‌توانید خارج بشوید و در ساحل نماز بخوانید دیگر مواجه با شرائط اضطراری نماز در سفینه که چه بسا مجبور می‌‌شوید نماز نشسته بخوانید نخواهید بود.

اگر این جمع را به عنوان جمع عرفی پذیرفتیم که برخی از بزرگان مثل مرحوم آقای خوئی پذیرفتند که مشکل حل می‌‌شود. ولی اگر این را هم ما به عنوان جمع عرفی نپذیرفتیم و گفتیم این دو تعبیر با هم سازگار نیست که از یک طرف امام بفرمایند اما ترضی بصلاة نوح ان خرجت فحسن و ان صلیت فحسن، ‌از طرف دیگر بفرماید ان استطعتم ان تخرجوا الی الجدد فاخرجوا، اگر ما نپذیرفتیم جمع عرفی بین این دو طائفه را تعارض و تساقط می‌‌کنند و رجوع می‌‌کنیم به عمومات که مقتضای عمومات جواز صلات در سفینه است اختیارا اگر شرائط عامه نماز را بتوانیم رعایت کنیم.

این راجع به بحث از نماز در سفینه.

اما راجع به فرمایشی که صاحب جواهر از برخی از بزرگان مثل مرحوم شیخ در ظاهر مبسوط و نهایه بیان کرد که نماز در سفینه امتیاز دارد بر نماز در جاهای دیگر، ‌حتی اگر شرط اختیاری نماز هم مختل بشود در سفینه مثل این‌که استقرار بدن مختل بشود باز نماز در سفینه جایز است راجع به این مطلب ان‌شاءالله در ادامه بحث از جهت ثانیه که بحث شرطیت استقرار بدن مصلی در نماز است بحث خواهیم کرد.

و لذا منتقل می‌‌شویم به بحث از جهت ثانیه که بحث در این است که آیا شرط است در نماز که بدن مصلی طمأنینه داشته باشد و استقرار داشته باشد و تکان نخورد یا شرط نیست.

استدلال شده است بر شرطیت استقرار بدن مصلی اولا به اجماع و ثانیا به جمله‌ای از روایات.

اما اجماع و لو اصلش مسلم است اما چون دلیل لبی است ما باید اخذ به قدرمتیقن از آن بکنیم که مثلا قدرمتیقن از آن نماز در غیر کشتی است. چون در نماز در کشتی نقل کردیم برخی مثل شیخ طوسی قائل شدند به این‌که رعایت استقرار در نماز در کشتی معتبر نیست. و همین‌طور این دقتی که برخی می‌‌کنند که در حال نماز دستان انسان یا سر انسان تکان شدید نخورد، دیگر نباید این دقت‌ها را بکنیم چون اجماع دلیل لبی است قدرمتیقنش طمأنینه در معظم بدن است و لو دست‌ها تکان بخورد، سر تکان بخورد.

مهم بررسی روایات است. عمده روایاتی که دلیل بر استقرار بدن مصلی هست سه روایت است:

روایت اول موثقه سکونی است: عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال فی الرجل یصلی فی موضع ثم یرید ان یتقدم قال یکف عن القراءة‌فی مشیه حتی یتقدم فی الموضع الذی یرید ثم یقرأ. وسائل الشیعة جلد 6 صفحه 98. سکونی نقل می‌‌کند که امام صادق علیه السلام راجع به شخصی که در اثناء قرائت نماز می‌‌خواست مقداری به جلو حرکت بکند فرمودند یکف عن القراءة‌ فی مشیه هنگامی که می‌‌خواهد جلو برود دیگر قرائتش را قطع کند، ‌قرائتش را ادامه ندهد بعد که رسید به آن جایی که می‌‌خواست برود آن یک قدم یا دو قدمی که می‌‌خواست جلو برود به آن‌جا رسید سپس قرائت را ادامه بدهد. گفته می‌‌شود این دلیل بر لزوم استقرار در حال نماز است در حال اشتغال به قرائت و اذکار واجبه.

و لکن انصافا این دلیل تمام نیست. چون از این روایت بیش از اعتبار استقرار در مقابل مشی فهمیده نمی‌شود. حالا اگر کسی در یک جا ثابت است و لکن بدنش تکان شدید می‌‌خورد از این روایت استفاده نمی‌شود که این نمازش مشکل پیدا می‌‌کند. و لذا به نظر ما دلالت این روایت تمام نیست.

ادامه بحث ان‌شاءالله در جلسه آینده که بحث صلات را دنبال می‌‌کنیم و ان‌شاءالله بحث از محرمات در شریعت را به آینده موکول خواهیم کرد فعلا روزهای چهارشنبه هم همین بحث صلات را دنبال می‌‌کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.